

کیهان

جامعه امروز ما **جامعه‌ای** مسلمان و داعیه‌دار اسلام است امار نگ اسلام و مسلمانی را در بر خی جنبه‌هادر خود کمرنگ می‌بیند و چه بسیار افرادی که نام مسلمان را فقط در شناسنامه یا اسم خود یدک می کشند ولی هتاسفانه ذره‌ای از رفتارشان شباهتی با اسلام واقعی ندارد.

در مقاله حاضر نویسنده با استفاده از منبع اصلی دین اسلام یعنی قرآن، ویژگی‌های مسلمان را تبیین کرده است.

اسلام و مسلمانی؛ حقیقت همه ادیان آسمانی

اسلام نام یکی از آیین‌های توحیدی است که در منطقه خاورمیانه ظهور کرده است. بر اساس تبیین قرآن، اسلام نام همه آیین‌های توحیدی است که مبتنی بر وحی الهی از سوی پیامبران خداوند به جامعه بشریت معرفی شده تا انسان‌ها بر اساس آن، مسیر هدایت و کمال را پیمایند. از این رو، می‌توان گفت که اسلام نام دین توحیدی وحیانی است؛ و از نظر خدا و قرآن تنها یک دین راستین وجود دارد. (آل عمران، آیه ۱۹) هر چند که کفر نیز خود دینی در برابر دین توحید دارد که سبک زندگی کافران را بسامان می‌دهد، چنانکه دین اسلام سبک مومنان را از آغاز هبوط انسان در زمین سامان می‌دهد. (بقره، آیه ۲۷؛ آل‌عمران، آیات ۱۹ و ۸۵ و سوره کافرون)

پس از نظر آموزه‌های قرآنی آنچه تحت عنوان ادیان توحیدی و ابراهیمی شناخته می‌شود، جز شرایع اسلام نیست که در حقیقت شاخه‌ها و روش‌های همان دین اسلام است و حضرت ابراهیم یکی و یگانه بوده است. (مائده، آیه ۴۸)

مسلمان نه تنها در اندیشه رهایی از ظلم و استضعاف خود و مسلمانان دیگر است، بلکه نسبت به هر موجودی احساس وظیفه دارد و تلاش می‌کند تا در برابر ظالم و مستکبر در همه جای جهان بایستد و به عدالت قیام کند و دستگیر مظلوم و مستضعف باشد و در این راه نیز از جان و مال خود هم می‌گذرد و به جنگ ظالم و مستکبر می‌رود.

در حقیقت اسلام نام همه شرایع الهی از آدم(ع) تاخاتم(ص) است و آنچه در شرایع اسلامی تغییر یافته است، جزئیاتی است که به سبب مقتضیات زمان و مکان نیازمند تغییر بوده است، ولی هرگز در اصول دین اسلام در طول تاریخ پیامبری هیچ تغییری رخ نداده است. (همان آیات) از نظر خداوند و قرآن، همه کسانی که در طول تاریخ بشریت به توحید گرویده و بر اساس آموزه‌های وحیانی، کتب آسمانی و فرمان پیامبران الهی انجام وظیفه کرده و تکالیف و ماموریت‌ها و وظایف خود را انجام داده‌اند، مسلمان می‌باشند. از این رو، هر کس که در برابر حضرت موسی(ع) و دیگران همان عنوان مسلمانی را بر خود می‌گذراند که حضرت پیامبر(ص) و پیروان ایشان بر خود می‌گذارند. (انعام، آیه ۱۶۳؛ یونس، آیات ۷۲ و ۹۰؛ حق، آیه ۲۸؛ نمل، آیه ۹۱؛ زمر، آیه ۱۲؛ ذاریات، آیه ۳۶) اما مسلمانی افزون بر اینکه یک نام خاص و فراگیر برای همه مومنان در طول تاریخ بشریت بوده است؛ نام خاص برای پیروان حضرت محمد(ص) نیز می‌باشد؛ زیرا آنچه قرآن و پیامبر گرامی(ص) آورده است، جامع همه شرایع و مهین بر آنهاست و از این رو، می‌توان گفت مسلمانی پیروان محمد(ص) جامع همه شرایع بوده و همه پیامبران از نظر ایشان مقبول است؛ در حالی که در حال حاضر، خلاف این ثابت نیست؛ چرا که پیروان شریعت عیسی(ع) حضرت موسی(ع) و آموزه هایش را قبول دارند، اما برعکس نیست. همچنین پیروان حضرت محمد(ص) همه پیامبران پیشین و آموزه‌ها و وحیانی آنان را قبول داشته و بر اساس آن اگر وحی بودن آن ثابت شده باشد، عمل می‌کنند، اما این گونه نیست که همه پیروان حضرت موسی(ع) مثلا معتقد به حضرت محمد(ص) باشند و به آموزه‌های وحیانی اسلام عمل کنند.

به هر حال، مسلمانی پیروان حضرت محمد(ص) جامع و فراگیر است و آنان میان پیامبران(ص) و آموزه‌های وحیانی ایشان تفرقه نمی‌انازند

پیرودار جهانیان انسان را خلق کرد و وجود او را منظم و متعالی ساخت و سپس اندازه‌گیری کرد و هدایت نمود: «الذی خلق فسوی والذی قدر فیهی» (طی/۲ و ۳)، برنامه هدایت انسان متناسب با ساختار وجود [فطرت] اوست؛ فطرتی که تغییرناپذیر است و در همه افراد عمومیت دارد. این دین و برنامه هدایت انسان، اسلام نام دارد که شامل سه بخش عقاید، اخلاق و احکام است. «مسئله حجاب» با هر سه بخش اسلام در ارتباط است. به عقاید مربوط است چرا که اگر زمینه‌های عقیدتی احکام بیان نشود، نوعا افراد رغبتی برای عمل کردن به آن نخواهند داشت؛ به اخلاق ربط دارد چون علاوه بر پوشش ظاهری، یک سری مسائل رفتاری مانند نحوه نشست و برخاست و طرز صحبت کردن و درونیات افراد را دربر می‌گیرد و ارتباط آن با احکام هم روشن است.

به این نکته توجه داریم که هر چند آن چیزی که انسانیت هر کسی را رقم می‌زند روح اوست و روح، هم زن و مرد و جنسیت ندارد، این زن و مرد دارای تفاوت‌های جسمی هستند و چون جسم بر روح اثر می‌گذارد، موجب تفاوت‌های روحی و روانی در زن و مرد می‌شود. این تفاوت‌ها باید در ارائه قانون برای ایشان در نظر گرفته شود.

حجاب و پوشش بانوان یکی از این قوانین است که از سوی شارع مقدس بنا به اهدافی وضع شده و جزو فرایض دینی به شمار می‌رود. **فلسفه پوشش اسلامی را در چهار مورد می‌توان خلاصه کرد:**

۱- آرامش روانی
۲- مستحکم کردن بنیان خانواده
۳- ثبات اجتماع

۴- ارزش و احترام

۱- **آرامش روانی**

نبودن حریم بین زن و مرد و آزادی معاشرت‌های این دو، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را بیشتر می‌کند و غریزه جنسی را به صورت یک غریزه اشباع نشده در می‌آورد. اسلام به قدرت شگرف این غریزه توجه کامل کرده است. از عوارض گوناگونی که به بی‌حجابی و بدپوششی برای مردان ایجاد می‌کند چشم‌چرانی، کندی ذهن، فشار عصبی، بلوغ زودرس، رفتارهای منافی عفت، پریشانی فکر، غصه و نگرانی، بی‌میلی به درس و مطالعه، عشق‌های خیابانی، بیماری‌های روانی و در نهایت تعطیلی نیروی انسانی را می‌توان برشمرد.

قبل از نزول آیات حجاب، مردان به زنان بی حجاب (زنان آزاد و کنیزان)، سخنان ناروا می‌گفتند و سر به سرشان می‌گذاشتند و اذیتشان می‌کردند. با نزول این آیات، زنان در پوشش رفتند و بساط این آزار و اذیت‌ها برچیده شد. هرچه زنی بیشتر حجابش را رعایت می‌کرد می‌فهمیدند که او از خانواده متشخص تری است.

روایات بسیاری درباره خطرناک بودن نگاه به زن نامحرم تنها نشستن با زن نامحرم و... در کتاب‌های روایی آمده است؛ مانند: قال‌الصادق(ع) «الظرة سهم من سهام ابلیس مسموم، و کم من نظرة اورثت حسرة طویلة»^(۱) «نگاه شهوت‌انگیز، تیر زهرآگین ابلیس است و چهسا یک نگاه آبه نامحرم! سبب حسرت و او آندوه! طولانی خواهد شد.» حضرت عیسی(ع) فرمود: «ای حواریون! بپرهیزید از نظر کردن به زنان که این کار تخم شهوت را در دل‌های شما می‌کارد و موجب فسی می‌شود.»^(۲)

و بدان اعتقاد و باور دارند. (بقره، آیات ۱۳۶ و ۲۸۵؛ آل عمران، آیه ۸۴؛ نساء، آیات ۱۵۰ و ۱۵۲)

اما مشکل این است که قرآن تصویر و ترسیمی از مسلمانی دارد که در جامعه بر خلاف آن از مسلمان دیده می‌شود؛ زیرا از نظر افکار و اعتقاد و هم در عمل و رفتار، مسلمانان به گونه‌ای هستند که بعضا برخلاف آموزه‌های وحیانی می‌باشد.

بایسته‌های مسلمانی از نظر قرآن

از نظر قرآن، مسلمانی دو معنای عام و خاص دارد؛ گاه وقتی از مسلمانی سخن به میان می‌آید به کسی گفته می‌شود که به دین اسلام متدین است؛ یعنی اصل اسلام را پذیرفته و شهادتین را بر زبان جاری کرده است، گرچه پایبندی عملی به احکام اسلام نداشته باشد. (حجرات، آیه ۱۴؛ العیزان، ج ۱۸، ص ۳۲۸)

خداوند در این آیه بیان می‌کند که برخی از مردمان مدعی ایمان شده‌اند، در حالی که آنان تنها به کلیات اسلام ایمان آورده و اسلام اعتقاد و باور آنان نشده است. هر گاه اسلام سبک زندگی کسی شود و اعتقاد



کامل به آموزه‌های آن داشته و بدان پایبند شود، آنگاه مومن خواهد بود که مرتبه کامل مسلمانی است.

معنای دوم مسلمانی همان پای بندی کامل به آموزه‌های وحیانی است که در این صورت مسلمان مترادف معنای مومن است. قرآن هر گاه درباره پیامبران، از عنوان اسلام و مسلمانی سخن می‌گوید، همین معنای دوم از مسلمانی مراد است.

به عقیده غالب اهل سنت و شیعه، هر مومنی مسلمان است، ولی هر مسلمانی مومن نیست. (دانشنامه قرآن، ج ۱، ص ۲۱۹) گفتنی است آنچه در آیه ۱۴ سوره حجرات آمده، موید همین معناست، چنانکه گفته شد. به هر حال، واژه مسلمان پس از بعثت پیامبر(ص) بر ایمان آوردگان به آن حضرت اطلاق شده، ولی عنوان مومنان اعم از مسلمان بوده است. اما در کاربردهای علمی مومن همواره غیر از مسلمان بوده است؛ زیرا اسلام را مرتبه‌ای از ایمان دانسته‌اند، چنان‌که آیه ۱۴ سوره حجرات بیان کرده است.

از ویژگی اسلام و مسلمانی که در آیات قرآن‌اشاره شده، استقامت مسلمانان و پای بندی آنان به وظایف و تکالیف الهی و انجام آن است. (هود، آیه ۱۱۲) خداوند از مسلمانان می‌خواهد تا پایداري را از اسوه کامل و نیک الهی حضرت ختمی مرتبت (ص) بیاموزند و سبک زندگی خویش را مطابق با سبک و شیوه زندگی آن حضرت(ص) سامان دهند. اگر مسلمانان استقامت ورزند، مورد توجه و عنایت الهی قرار می‌گیرند و در زندگی شخصی و اجتماعی از آرامش خاصی بهره می‌برند و آمدادهای غیبی الهی شامل حال ایشان می‌شود.(انفال، آیه ۱۰۱؛ توبه، آیه ۱۰۳) مسلمان اهل استاعت از خداوند است و به جای اینکه از دیگران باری جود تنها از خداوند استعانت می‌طلبد؛ زیرا خداوند را تنها مالک هستی و پروردگار جهانیان می‌داند و از این رو تنها او را شایسته عبودیت می‌شناسد

معارفMaaref@Kayhan.ir

و علم و قدرت و حکمت و مالکیت را از آن خداوند می‌داند. لذا، تنها از او باری می‌جوید. (سوره حمد؛ نساء، آیه ۷۵)

مسلمان خود را در اسلام خویش محق می‌داند و حجت و استدلال خود را بی‌نقص و عیب دانسته و با ایمان کامل به احتجاج با دیگران می‌پردازد و اسلام خود را علنی و آشکار می‌کند و از مسلمانی خود شرم نمی‌کند. از این رو با صراحت به احتجاج می‌پردازد و عالمان شرایع و ادیان دیگر را به مبارزه علمی می‌خواند به گونه‌ای که دیگران از احتجاج با او می‌گریزند و تاب مقاومت نمی‌آورند. (آل عمران، آیات ۷۲ و ۷۳.)

مسلمان همان گونه که به درستی اعتقادات خود ایمان دارد و به احتجاج با دیگران می‌پردازد، به آینده پیروز و هیمنه علمی و عملی اسلام و مسلمانان بر جهان امید دارد و خلافت و حاکمیت را از آن اسلام و مسلمانی می‌داند و هیچ ترس و دلهره‌ای به خود راه نمی‌دهد تا به این وعده الهی جامه عمل نبوشاند. (نور، آیه ۵۵؛ مائده، آیه ۵۴)

مسلمان همان گونه که در جهاد از جان می‌گذرد، برای تحقق اهداف اسلام از مال خود نیز می‌گذرد و می‌داند که خداوند با پیروزی بر دشمن، خسارت‌های مادی او را نیز جبران می‌کند و عزت اقتصادی و مادی را به او بازمی‌گرداند. (توبه، آیه ۲۸)

مسلمان اهل ضعف و سستی نیست، چنانکه اهل استکیار و ظلم نیست. مسلمان ممکن است در استضعاف قرار گیرد یا مظلوم واقع شود، ولی هرگز ظلم‌پذیر نیست و به اصطلاح منظم نمی‌باشد. از این رو تلاش می‌کند به هر شکلی خود را از استضعاف در آورد و از ظلم رهایی بخشد



و بر ظالم چیره گردد و مستکبر را به خاک مذلت و خواری بکشانند. (نساء، آیه ۷۵؛ انفال، آیات ۲۴ و ۲۶)

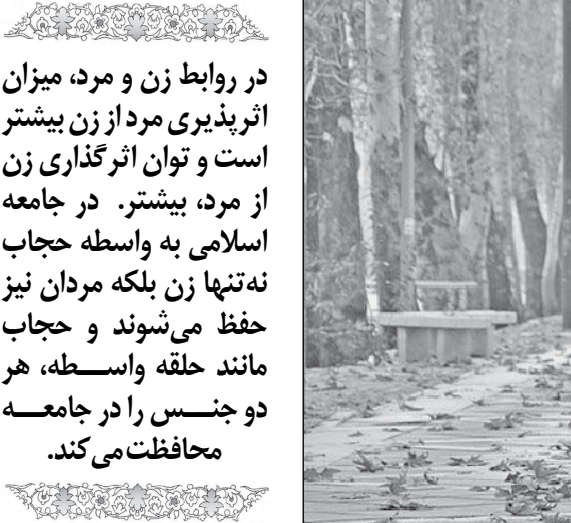
مسلمانی می‌داند که رهایی از ظلم ظالمان و استضعاف مستکبران تنها در سایه سار اسلام و ایمان واقعی به آن است. از این رو همواره به آن تمسک جسته و شکرگزار اسلام است که وی را از ظلم و استضعاف رهایی بخشیده است. (همان)

مسلمان نه تنها در اندیشه رهایی از ظلم و استضعاف خود و مسلمانان دیگر است؛ بلکه نسبت به هر موجودی احساس وظیفه دارد و تلاش می‌کند تا در برابر ظالم و مستکبر در همه جای جهان بایستد و به عدالت قیام

مسلمان، اهل ضعف و سستی نیست، چنان که اهل استکبار و ظلم نیست. مسلمان ممکن است در استضعاف قرار گیرد یا مظلوم واقع شود، ولی هرگز ظلم‌پذیر نیست و به اصطلاح منظم نمی‌باشد. از این رو تلاش می‌کند به هر شکلی خود را از استضعاف درآورد و از ظلم رهایی بخشد و بر ظالم چیره گردد و مستکبر را به خاک مذلت و خواری بکشانند.

کند و دستگیر مظلوم و مستضعف باشد و در این راه نیز از جان و مال خود هم می‌گذرد و به جنگ ظالم و مستکبر می‌رود. (نساء، آیه ۷۵) جامعه اسلامی همواره به گونه‌ای است که عدالت در آن موج می‌زند و ستم‌ستیزی و مستکبر ستیزی فکر و عمل همه جامعه است. از این رو در مال و عرض آنها است و از حقوق شهروندی بهره می‌برند ولی هیچ بهره جشان است و همگی خواهان آن هستند که سبک زندگی خود را همانند مسلمانان و جامعه اسلامی قرار دهند.(بقره، آیه ۱۴۳) بنابراین جامعه اسلامی و مسلمانان، همواره می‌بایست سرمشق امت‌های دیگر باشند و سبک زندگی آنان مطلوب دیگران شود؛ این در حالی است که اکنون سبک زندگی غربی و آمریکایی مطلوب قرار گرفته

فلسفه پوشش زن در اسلامرافضیه محمدزاده

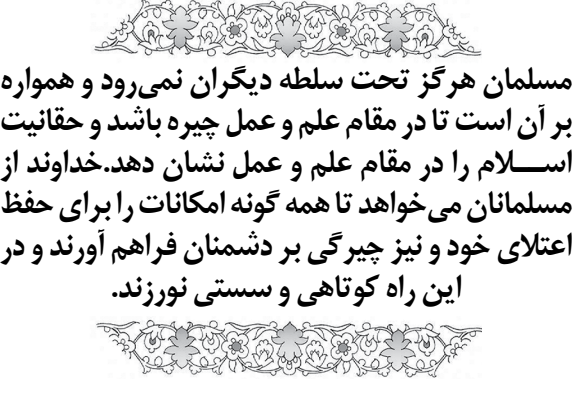


فتاوی در این زمینه نیز نشان‌دهنده حساسیت مسئله است؛ مانند: «مردان نمی‌توانند به صورت و دست زنانی که به طور کامل حجاب خود را رعایت نکرده‌اند، نگاه کنند مانند آنکه زنی مقداری از مویش پیدا باشد و یا اینکه لباس آستین‌کوتاه پوشیده باشد و یا بازو و یا مچ دست او پوشیده نباشد.»^(۱) «بدن موی سر و صورت، دست‌ها تا مچ، پا تا فوزک و گردن مردان نامحرم برای زن‌ها اشکالی ندارد؛ مشروط به آنکه به قصد لذت و ربه نباشند.»^(۲) باید توجه کنیم که انسان برای رسیدن به کمال، نیازمند برکنار بودن از آسیب‌های جسمی، روحی و اجتماعی است.

قبل از نزول آیات حجاب، مردان به زنان بی حجاب (زنان آزاد و کنیزان)، سخنان ناروا می‌گفتند و سر به سرشان می‌گذاشتند و اذیتشان می‌کردند. با نزول این آیات، زنان در پوشش رفتند و بساط این آزار و اذیت‌ها برچیده شد. هرچه زنی بیشتر حجابش را رعایت می‌کرد می‌فهمیدند که او از خانواده متشخص تری است.

۲) استحکام بنیان خانواده

اسلام به استواری بنیان خانواده توجه عمیقی دارد و با وضع قوانین مختلف همواره سعی داشته که بر این استحکام بیفزاید. در جوامع اسلامی طبق ضوابطی که اسلام در زمینه نگاه کردن، صحبت کردن، خندیدن، نشستن و... قرار داده، هر مردی به تنها کسی که می‌تواند نگاه کند و یا توجه نماید، همسر شرعی‌اش است. اگر او یک فرد شناخته شده در مکتبش باشد، مقایسه زن دیگری با همسر خودش را نادرست می‌داند؛ اما فردی که به ضوابط اسلامی مقید نیست، مسلما هر روز معضلات حقه خواهد شد. در واقع احکام اسلام جنبه واکنس را دارند



است؛ زیرا مسلمانان از مسلمانی خود دور شده‌اند و سبک زندگی آمریکایی جایگزین سبک اسلامی شده است.

مسلمانی از نظر قرآن، سبک زندگی اعتدال است. مسلمان از نظر قرآن انسان معتدلی است که در مسیر عدالت و اعتدال به دور از هر گونه افراط و تفریط زندگی می‌کند و نیازهای مادی و معنوی و روانی و جسمی خود

را در حد مطلوب پاسخ می‌دهد. (طه، آیه ۱۳۵؛ فاطر، آیه ۳۲) مسلمان اهل دانش و تفقه در دین است و برای شناخت دین و تبلیغ آن در میان مردمان تلاش می‌کند. (توبه، آیه ۱۲۲) چنانکه مسلمان اهل عمل به خیر و نیکی و دعوت دیگران به آن و نهی از هر گونه زشتی و ناپنججاری است. (آل عمران، آیات ۱۰۱ و ۱۰۴)

مسلمان به سبب ایمان به خدا و تقوای الهی، اهل بصیرت است و در فتنه‌ها قدرت تشخیص را دارا می‌باشد و می‌تواند در فضای خاکستری، حق را از باطل تشخیص دهد و راه خویش را در میان حق و باطل بیابد و به سوی حق گرایش یافته و آن را به دست آورده و تقویت کند. (بقره، آیه ۱۴۳؛ عنکبوت، آیه ۱۰ و ۱۱؛ انفال، آیه ۲۹)

مسلمان قرآنی هنگامی که با غیر مسلمان روبرو می‌شود اهل تسامح و مدارا تا او را به حقانیت اسلام دعوت کند. بر مشترکات می‌خواند و از تفرقه باز می‌دارد و می‌کوشد تا حقانیت در هر مقداری که امکان تحقق و حضور دارد، ظهور یابد. (آل عمران، آیه ۶۴)

مسلمان هرگز تحت سلطه دیگران نمی‌رود و همواره بر آن است تا در مقام علم و عمل چیره باشد و حقانیت اسلام را در مقام علم و عمل نشان دهد.(نساء، آیه ۹۱) خداوند از مسلمانان می‌خواهد تا همه گونه امکانات را برای حفظ اعتلای خود و نیز چیرگی بر دشمنان فراهم آورند و در این راه کوتاهی و سستی نوززند. (انفال، آیه ۶۰)

مسلمان، اهل انفاق و احسان است و از هر آنچه خداوند روزی‌اش کرده به دیگران می‌دهد.

صفات مسلمانان سست ایمان

اینها پاره‌ای از ویژگی‌های مسلمان قرآنی است اما باید توجه داشت که همه مسلمانان این گونه نیستند و چنانکه گفته شد اسلام در برابر ایمان یک معنای عام است و شامل هر کسی می‌شود که شهادت بگوید. از اینس رو خداوند مسلمانانی را نیز معرفی می‌کند که اهل نفاق (آل عمران، آیه ۱۵۴؛ نساء، آیه ۸۱؛ توبه، آیه ۶۶، دارای افکار جاهلی(نساء؛ آیه ۹۴)اهل رباخواری و نزول خواری(بقره، آیات ۲۷۸ و ۲۷۹)، اذیت و آزار به پیامبر(احزاب؛آیات ۵۳ و ۵۷ و ۶۹، اهل شرک ورزی(نساء، آیه ۵۱، ایمان به طاووت و جیت و پذیرش سلطه ایشان(همان)، اهل قرار از جبهه و جنگ(توبه، آیه ۹۲)، گرفتار غرور و خودپسندی (توبه، آیه ۲۵)، اهل بدگمانی و غیبت و افترا و تهمت (نور، آیات ۱۱ تا ۱۶ و صفه، آیات ۲ و ۳) اهل ترک واجبات الهی (جمعه، آیات ۹ و ۱۱)، اهل درخواست‌های بیجا (بقره، آیه ۱۰۸)، ترسو و بزدل(نساء، آیه ۷۷)، سلطه‌پذیر و دشمن دوست(مائده؛آیات ۵۲ و ۵۳) اهل تفاخر و خودبزرگ بینی و امتیازخواهی (توبه، آیه ۱۹)، دنیاطلب (جمعه، آیات ۹ و ۱۱) خیانت کار و افشاکننده اسرارها (نفال، آیه ۲۷)، راف طلب (توبه، آیه ۳۸) نینل و سست (نساء، آیات ۷۲ و ۷۳) حسود و جاسوس و مانند آن می‌باشند.

از نظر قرآن اینان مسلمانان سست ایمانی هستند که هنوز ایمان واقعی

مسلمان، اهل ضعف و سستی نیست، چنان که اهل استکبار و ظلم نیست. مسلمان ممکن است در استضعاف قرار گیرد یا مظلوم واقع شود، ولی هرگز ظلم‌پذیر نیست و به اصطلاح منظم نمی‌باشد. از این رو تلاش می‌کند به هر شکلی خود را از استضعاف درآورد و از ظلم رهایی بخشد و بر ظالم چیره گردد و مستکبر را به خاک مذلت و خواری بکشانند.

در دل و جانشان نفوذ نکرده است و تنها از اسلام همان نام را با خود دارند و این‌گونه است که به اسلام و مسلمانی مره می‌زنند و ابروی اسلام و مسلمانی را می‌برند. ازاین رو بسیاری از آیات قرآن اینگونه مسلمانان و مسلمانی را بی‌فایده می‌شمارد؛ چنین مسلمانی تنها عامل حفظ خون و مال و عرض آنها است و از حقوق شهروندی بهره می‌برند ولی هیچ بهره جشان است و همگی خواهان آن هستند که سبک زندگی خود را همانند مسلمانان و جامعه اسلامی قرار دهند.(بقره، آیه ۱۴۳) بنابراین، مسلمان قرآنی کسی است که با ایمان واقعی و عمل به احکام آن، دنیا و آخرت خویش و دیگران را آباد کند و از فواید ایمان و اسلام و مسلمانی در دنیا و آخرت بهره برد.

که در آن کل جامعه در نظر گرفته می‌شود. احکام روابط میان زن و مرد را باید از دید واکسن نگاه کنیم. یعنی رعایت حجاب به این معنا نیست که در این معادله سواد هست، بلکه معنایش آن است که احتمال فساد هست. وقتی اسلام می‌گوید که در روابط زن و مرد حدودی رعایت شود، نشان می‌دهد که اسلام انسان‌ها را سالم می‌داند، وگرنه به شخص بیمار که واکسن نمی‌زنند!

در روابط زن و مرد، میزان اثرپذیری مرد از زن بیشتر است و توان اثرگذاری زن از مرد، بیشتر در جامعه اسلامی به واسطه حجاب نه‌تنها زن بلکه مردان نیز حفظ می‌شوند و حجاب مانند حلقه واسطه، هر دو جنس را در جامعه محافظت می‌کند. در حقیقت حفظ زنان تضمین‌کننده تقوای جامعه است. اگر زن و مرد در محیط آموزشی و کاری جداگانه باشند بهتر می‌توانند کار کنند تا هم. اگر یک مرد در محیط کار، خالی از هرگونه محرک باشد بهتر می‌تواند کار کند تا در محیطی که هر روز با قیافه‌های مهیج و تحریک‌کننده روبرو شود. کشاندن تمتعات و بهره‌گیری‌های جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف کرده، کارایی در محیط اجتماع را کمتر می‌کند و عدم دستیابی به استقلال و وابستگی به استعمار را سبب می‌شود. دستاورد غرب در دادن آزادی‌های بی حد و حصر جنسی، آن شد که کانون خانواده و اجتماع در هم شکست و طلاق افزایش پیدا کرد و فرزندان طلاق و نیز فرزندان نامشروع آمارشان افزایش یافت.

۴) ارزش و احترام زن

قبل از نزول آیات حجاب، مردان به زنان بی‌حجاب (زنان آزاد و کنیزان)، سخنان ناروا می‌گفتند و سر به سرشان می‌گذاشتند و اذیتشان می‌کردند. با نزول این آیات، زنان در پوشش رفتند و بساط این آزار و اذیت‌ها برچیده شد. هرچه زنی بیشتر حجابش را رعایت می‌کرد می‌فهمیدند که او از خانواده متشخص تری است. (تذک ادبی ان يعرفن فای‌یوذین»^(۱) «این کار (داشتن حجاب) برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است.»

مرد به طور قطع از نظر جسمانی بر زن تفوق دارد. از نظر عقل و فکر تفوق مرد لااقل قابل بحث است. زن در این دو جبهه در برابر مرد قدرت مقاومت ندارد، ولی زن از طریق عاطفی و قلبی همیشه تفوق خود را بر مرد ثابت کرده است. حریم نگه داشتن میان خود و مرد یکی از مسائل رموزی بوده که زن برای حفظ مقام و موقعیت خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است. اسلام نیز زن را تشویق کرده که از این وسیله استفاده کند و تأکید کرده که زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عقیقت‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر لباس پوشیدن، آرایش کردن، رفت و آمد در جاهای ابرمزگی به ارزش تبدیل نشود، پیامد طبیعی آن افزایش روزافزون خودنمایی بر جامعه است. در چنین جامعه‌ای ارزش زن با معیار علم و دانایی سنجیده نمی‌شود، بلکه تبدیل به عروسیه می‌شود که هرچه زیباتر باشد، بیشتر مورد توجه است.

پانویس‌ها:

۱ و ۲-بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۴
۵-نهج‌البلاغه، نامه ۳۱
۳-احکام روابط زن و مرد، ص ۲۵
۶-احزاب/۵۹
۷- شهید مطهری، مسئله حجاب، ص ۹۵
۴- همان، مصص ۳۹۰۴

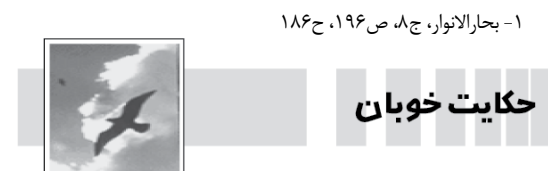
صفحه ۶

پنج‌شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۶

۲۶ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ - شماره۲۱۸۶۸



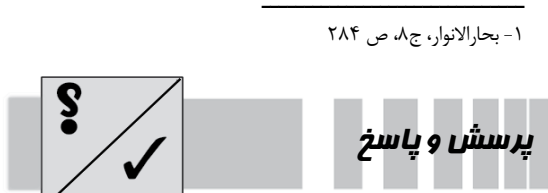
چراغ راهخلقت کنونی بهشت و جهنمشاخص اعتقادی شیعهقال الامام الصادق(ع): «لیس من ششیعتنا من انکر اربعة اشیاء: ۱- المعراج ۲- والمساله فی القبر ۳- و خلق الجنة و النار ۴- والشفاعة»امام صادق(ع) فرمود: آن کس که چهار چیز را انکار کند، شیعه ما نیست و آنها عبارتند از: ۱-معراج ۲- سوال قبر ۳- خلقت کنونی بهشت و دوزخ ۴- شفاعت.۱



نشان دادن آتش جهنمدر سفر معراج پیامبر(ص)

امام باقر(ع) می‌فرماید: رسول خدا(ص) در سفر معراجی خویش بر خلقی از مخلوقات خدا گذر نکرد مگر اینکه اموری دوست داشتنی از آنها دید، از قبیل: بشارت و لطف و سرور، تا اینکه بر خلقی از مخلوقات خدا گذر نمود که به حضرتش التفاتی نکرد و چیزی نگفت. پس حضرتش او را عبوس و چهره درهم کشیده یافت.

پس فرمود: ای جبرئیل! من گذر بر خلقی نکردم جز اینکه بشارت و لطف و شادی از او دیدم، مگر این شخص. کیست این؟ جبرئیل گفت: این مالک، خازن جهنم است که پروردگارش این‌گونه خلقت نموده است. حضرتش فرمود: دوست دارم از او بخواهم که آتش را نشمان دهد. جبرئیل گفت: این شخص محمد رسول خداست، و از من خواسته که از تو بخواهم آتش را نشانش دهی. پس او گردنی از آتش را خارج نمود. (به آتش امر نمود که یک آن سرگ بشکند تا دیده شود) پس رسول خدا آن را دید و از آن زمان که آن را دید، خندان نگشت تا آن زمان که خدای عزوجل او را قبض نمود.^(۱)



خلقت بهشت و جهنمپرسش و پاسخ؟

خلقت بهشت و جهنم در حال حاضر برای پاداش و جزای نهایي اعمال انسان‌ها وجود دارد یا خیر؟ اگر جواب مثبت است مکان آن در کجا قرار دارد؟

پاسخ:

مستملای از قدیم میان متکلمین مطرح بوده و آن این

است که آیا بهشت و جهنم مخلوقند، یعنی الان وجود دارند، یا اینکه بعدها خلق می‌شوند؟ بزرگان شیعه باخصوص،

می‌گویند که «اعتقادنا ان الجنة و النار مخلوقان» اعتقاد

این است که الان هم بهشت و هم جهنم وجود دارد و خلق

شده است. ولی در عالمی دیگر است، در حال حاضر وجود

دارد، ولی تا ما متحقی است.

در این زمینه هم آیات و هم روایات زیاد داریم. دلایل از آیات قرآن کریم یکی همین است «و از لفت الجنة للممتقین، و برزت الحجیم للنافون» بهشت نزدیک می‌شود به متقیان و جهنم آشکار می‌شود برای گمراهان. (شعراء - ۹۰ و ۹۱) در آیه دیگری، تعبیر قرآن کریم این است: و برزت الحییم لمن بری» و جهنم برای هر بیننده‌ای آشکار می‌گردد. (نارعات - ۳۶) و همچنین در سوره نکتاثر آیات ۵ و ۶ خداوند می‌فرماید: کلا لوتعلمون علم البیقین، لئنزلون الحجیم» چنان نیست (که شما خیال می‌کنید) اگر شما علم البیقین به آخرت داشتید (افزون طلبی، شما را از خدا جدا می‌کند، قطعاً شما جهنم را می‌دیدید. و بعضی دیگر آیه «وان جهنم لمحیط بالكافرین» را هم یک دلیل گرفته‌اند. این آیه شریفه قرآن می‌فرماید: «همانا جهنم به کافران احاطه دارد» (توبه- ۴۹- عنکبوت- ۵۴) نمی‌گوید: جهنم در آینده احاطه پیدا می‌کند. (آشنایی با قرآن، شهید مرتضی مطهری(ره)، ج ۱۱، ص ۲۷۲)

بهشت و جهنم از دیدگاه روایات

«هروی» به امام رضا(ع) عرض می‌کند: یابن رسول‌الله، آیه بهشت و جهنم هم اکنون آفریده شده‌اند؟ امام فرمود: «عم الوان رسول‌الله(ص) قد دخل الجنة و رای النار مله عرج به الی السماء» بله هنگامی که رسول خدا به آسمان عروج کرد، وارد بهشت شد و جهنم را دید. (بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۱۹) در روایت دیگری پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: بر در بهشت، دو هزار سال قبل از اینکه خداوند آسمان ها و زمین را بیافریند، نوشته شده است: لا اله الا الله، محمد رسول‌الله (همان، ص ۱۲۳) گرچه بهشت و جهنم هم اکنون موجود است، ولی اعمال آدمیان در شکل‌دهی به برخی از خصوصیات و ویژگی‌های آنها نقش دارند. در روایتی می‌خوانیم که هرگاه مؤمن ذکر «لا حول ولا قوه الا بالله» می‌گوید: یک درخت در بهشت غرس می‌شود. (ص ۱۴۹، همان)



سلوک عارفانه



صفحه معارف روز های: شنبه، یک‌شنبهسه‌شنبه و پنج‌شنبهمنتشر می‌شودتلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۶۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱Maaref@kayhan.ir

۱- بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۰۵